

مبارزه با طالبان نیازمند حضور دراز مدت جامعه جهانی در افغانستان

عبدالله هروی



نگردد بلکه نیروهای بیسن المللی بکبار دیگر در میدان های جنگ حضور به هم رسانند و دوشادوش نیروهای امنیتی کشور با گروه های دشت افکن مبارزه نمایند. با این حال، هیچ تغییری در سیاست حکومت وحدت ملی مشاهده نمی شود. حکومت همچنان به دنبال از سرگیری پروژه صلح است و امیدوار است تا از طریق پروسه صلح بتواند گروه طالبان را وارد چارچوب دولت سازد و به این گروه سهمی از یک قدرت دهد. به همین خاطر، تأکید زیاد بر نقش پاکستان در روند گفتگوی صلح دارد. دقیقاً همین مسئله نگران کننده است. زیرا، مسئله گفتگو با گروه طالبان اراده سیاسی نخبگان سیاسی را برای مبارزه با این گروه از بین برده است. در شرایط کنونی ما تنها قربانی می دهیم. این قربانی دادن ها ممکن است شکاف عمیق میان نیروهای امنیتی و بخش سیاسی حکومت و همچنین میان مردم و حکومت ایجاد نماید. در آن صورت، هرج و مرج زیاد می شود. بنابراین، در شرایط کنونی که گروه طالبان قدرتمند شده اند و در ولایت های مختلف قلمرو حاکمیت حکومت را تهدید می کند لازم است که تغییری در استراتژی حکومت وحدت ملی در قبال این گروه صورت گیرد. فراموش نکنیم از زمانی که پروژه صلح یک بار دیگر بر سر زبان ها آمده است فعالیت گروه طالبان نیز بیشتر شده است. این نشان از آن است که این گروه حاضر به گفتگو و مصالحه با حکومت افغانستان نیست.

ایالات متحده آمریکا و پاکستان آزاد نماید. در جانب مقابل، حکومت افغانستان هیچ نتیجه ای به دست نیاورد. گروه طالبان با آزاد نمودن نیروهای خود از زندان های افغانستان توانست دوباره خود را سازماندهی نماید. آرایش جدیدی به صفوف نیروهای خود در میدان جنگ بدهد. یکی از دلایل موفقیت گروه طالبان در وضعیت کنونی ناشی از همین مسئله است. بعد از سال ها جنگ و پیشبرد پروژه صلح اکنون دوباره گیربگیر گروه طالبان شده است. در گذشته اگر این گروه تنها در ولایات جنوب و جنوب شرق کشور نفوذ داشت اکنون ولایت های شمال کشور را نیز تهدید می کند. اکنون، ایالات متحده آمریکا تصمیم گرفته اند که سربازان خود را در افغانستان حفظ کند و پایگاه نظامی خود را در بگرام نیز حفظ کند. این تصمیم اگر چه دیر اتخاذ شده اما با این حال، تصمیم درست برای حمایت از نیروهای امنیتی کشور در میدان جنگ است. امیدوارم که این تصمیم تنها به حضور صرف نیروهای بین المللی در افغانستان

مطرح کرد اما سخن او شنیده نشد. بعد از این مسئله مورد توجه مقامات ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورها غربی قرار گرفت و طرح مصالحه و گفتگو با گروه طالبان روی دست گرفته شد. چندین سال، پروسه صلح در دو سطح داخلی و بیرونی دنبال شد اما هیچ نتیجه ای در پی نداشت. مقامات آلمان، ایالات متحده آمریکا، قطر نماینده های گروه طالبان را در آلمان ملاقات نمودند اما به نتیجه نرسیدند. این ملاقات ها برای مدت ها دنبال شد و کم کم کشور های مختلف درگیر آن شد اما نتیجه آن باز شدن دفتر قطر بود. در واقع باز شدن دفتر نتیجه سال ها تلاش ها ایالات متحده آمریکا، آلمان، قطر، بعد ها انگلیس، پاکستان خود را در افغانستان حفظ کند و پایگاه نظامی خود را در بگرام نیز حفظ کند. این تصمیم اگر چه دیر اتخاذ شده اما با این حال، تصمیم درست برای حمایت از نیروهای امنیتی کشور در میدان جنگ است. امیدوارم که این تصمیم تنها به حضور صرف نیروهای بین المللی در افغانستان

مقام های وزارت دفاع آمریکا، پنتاگون به آژانس خبری فاکس نیوز گفته است که پنتاگون به دنبال حفظ پایگاه نظامی بگرام پس از سال ۲۰۱۷ میلادی می باشد. آن ها گفته اند که این تصمیم به دنبال نفوذ و اقتدار شده است. در ماه های اخیر، فعالیت گروه طالبان در سراسر کشور افزایش چشم گیر یافته است. چندی قبل، این گروه توانست ولایت کندز را سقوط دهد و کنترل آن را به دست بگیرد. در عین حال، این گروه توانست ولسوالی سنگین ولایت هلمند در جنوب افغانستان را از کنترل نیروهای امنیتی افغانستان خارج کرده و برای مدتی کنترل آن را به دست گیرد. به دنبال این رویداد ها، رسانه های غربی از استراتژی ایالات متحده آمریکا در افغانستان انتقاد کرد و خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان را به معنی بازگشت دوباره گروه طالبان خواند. آن حضور نیروهای بین المللی در افغانستان برای حفظ نظام و تضعیف گروه طالبان یک امر ضروری است؟ آیا نیروهای امنیتی افغانستان قادر به گرفتن امنیت کشور نیست؟ در نوشتار کنونی سعی می کنم این مسئله را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهم.

پیش از یک دهه است که نیروهای بین المللی برای مبارزه با دهشت افکنی و تروریسم در افغانستان می جنگند. اگر چه، مأموریت اصلی نیروهای بین المللی مبارزه با شبکه القاعده خوانده شده بود اما واقعیت امر این است که نیروهای بین المللی در افغانستان بیشترین جنگ را با گروه طالبان داشته اند. در همان سال های نخست حضور نیروهای بین المللی در افغانستان گروه طالبان و شبکه القاعده شکست سنگین را متحمل شدند. بخش از نیروهای القاعده از افغانستان خارج شد و سران اصلی این شبکه کشته شدند. جنگ با القاعده در واقع در همان سال ها آغاز شد. تلاش نمود گروه طالبان را از شبکه القاعده و تروریسم جدا سازد. این مسئله با طرح گفتگوی صلح و مصالحه ممکن گردید. برای اولین بار، حامد کرزی مسئله مصالحه و گفتگو با گروه طالبان را در سال ۲۰۰۴

سرمقاله انتخابات ضرورت زندگی ماست

حفیظ الله ذکی

انتخابات یکی از موضوعات مهم و اساسی در نظام دموکراسی به حساب می آید. دموکراسی بدون انتخابات معنا پیدا نمی کند. در دموکراسی حاکمیت ملی از آن مردم است و این حاکمیت از طریق انتخابات و تعیین نمایندگان مردم در سازمان های دولتی اعمال می شود. افغانستان در گذشته با دموکراسی و انتخابات بیگانه بوده است. همه تصمیم از سوی شاه که سایه خدا در روی زمین پنداشته می شد، اتخاذ می گردید. نمایندگان مردم به صورت فرمایشی از جانب کارگزاران دولت تعیین می گردید و این حکومت ها بود که بجای مردم تصمیم می گرفتند. بنابراین دموکراسی و انتخابات در افغانستان یک پدیده تازه و تا حدودی بیگانه به شمار می آید. جهاد و مهاجرت، زندگی اجتماعی و سیاسی مردم افغانستان را تغییر داد و آن را وارد مرحله جدیدی کرد. مردم در این دوره نسبت به مسایل سیاسی و حقوق شهروندی آگاهی یافتند. محرومیت نسبی و تبعیض فوق العاده قومی و خاندانی را درک کردند. از وضعیت غمبار و دردناک خود با خبر شدند. دانستند که دستگاههای نامشروع حاکم در کشور چگونه سرمایه های مادی و معنوی کشور را به تاراج می برند و چگونه با دامن زدن به اختلافات قومی و مذهبی دوام حاکمیت متزلزل و بی بنیاد خود را تضمین می کنند. پس از سال ها جنگ و خونریزی در افغانستان، اقوام و گروه هایی که می خواستند مانند گذشته حکومت های انحصاری به وجود آورند و از طریق زور بر مردم حکومت کنند، باهمه دسیسه ها و تلاش های ویرانگرانه ای که به کار بردند، ناکام ماندند. مقاومت اکثریت ستمدیده در افغانستان، راه را برای انحصاری سازی قدرت سیاسی به بن بست کشاند. نتیجه بن بست سیاسی و نظامی در افغانستان، به وجود آمدن گفتمان کثرت گرایی، آزادی و ایجاد ساختارهای مشارکتی قدرت بود. در این برهه همه افراد و گروه ها از دموکراسی و آزادی سخن می گفتند و گفتارها و رفتارهای خود را در همین چارچوب توجیه می کردند. اگرچه این تکیه و تأکید ها صوری و در اکثر موارد فریبکارانه بود، اما در تقویت گفتمان جدید سیاسی نقش بازی می کرد. به بن بست رسیدن جنگ و تقابل فیزیکی نیروها، طرف های درگیر را به این باور رساندند که برای ختم جنگ راهی جز پذیرش یکدیگر و مشارکت نسبی طرفها در قدرت نیست. همین باورها زمینه ظهور گفتمان های جدید دموکراسی را در افغانستان فراهم کرد. توافقنامه بن که به کوشش نماینده سازمان ملل متحد در امور افغانستان و سایر کشورهای قدرتمند جهان، از سوی گروه ها و حلفاقت مختلف سیاسی در افغانستان به امضا رسید، در واقع مبنی بر همین دو واقعیت سیاسی- فرهنگی به بن بست رسیدن راه حل های نظامی و غلبه گفتمان دموکراسی در کشور بود.

در فاز سیاسی که پس از کنفرانس بن در افغانستان آغاز شد، نظام دموکراسی به رسمیت شناخته شد و حقوق و آزادی های اساسی شهروندان بدون در نظر داشت قوم، نژاد، عقاید مذهبی و گرایش های سیاسی مورد احترام قرار گرفت و اصل حاکمیت مطابق قانون اساسی به مردم تعلق گرفت. به این صورت برای نخستین بار مردم افغانستان بر سرنوشته شان حاکم شدند.

از اینرو دموکراسی در افغانستان بر اساس یک فرآیند تدریجی و رو به رشد اجتماعی و فرهنگی به وجود نیامده است؛ بلکه دموکراسی بر مبنای ضرورت زندگی و مجبوری های سیاسی در کشور شکل گرفته است. در سال های گذشته، حداقل ارزش های دموکراسی در ساختارها و کارکردهای حکومت در نظر گرفته می شد و مبنای ارزش های دموکراسی به صورت ظاهری تطبیق و اجرا می شد؛ اما در سال های اخیر متأسفانه احترام به ارزش های دموکراسی کم رنگ گردید و نهادهای رسمی و قانونی به صورت آشکارا دموکراسی را نادیده می انگارند. ادامه کار نهادهای تقنینی به دلیل برگزار نشدن انتخابات، نقض صریح قانون اساسی و ضربه بزرگ بر پیکر آزادی و دموکراسی می باشد. در افغانستان اگر به دموکراسی احترام گذاشته نشود، قانون شکنی و خشونت جای آن را می گیرد. پس باید به قوانین و به اصول و مبنای دموکراسی پایبند ماند.

روزنامه نگاری در روزگار نفرت پراکنی رسانه ای

توماس کامیلیندی / ترجمه: سپیده آریا/قسمت اول

رسانه ها محسوب شود. اما من خودم را درگیر این ماجرا نکردم چرا که می دانستم حامیان واقعی این ایستگاه رادیویی چه کسانی هستند. سردبیر آنجا گاسپار گاهییک که پیش تر در رادیو رواندا رییس من بود بارها از من خواست به آر.تی.ال.ام بروم و با او همکاری کنم. می گفت من روزنامه چون خوبی هستم که می توانم اعتبار زیادی به این رادیوی تازه تاسیس ببخشم. اما من هر بار درخواستش را رد کردم چون نمی خواستم از استعداد یا نفوذ حرفه ای ام برای بدنام کردن و تحقیر تونسسی ها استفاده کنم.



تا این که در آوریل ۱۹۹۴ قتل عام (نسل کشی) رخ داد، چه کاری از دست رسانه ها بر می آمد؟ رسانه ها که نمی توانند بچنگند؛ اما می توانستند با ارائه اطلاعات درست اوضاع را بهتر کنند. اما این کار نکردند. فضا را پسر از تبلیغات کردند و به مردم فقط اخبار نفرت پراکن ارائه می کردند. طوری که اصلاً نمی توانید تصورش را بکنید. مثلاً در سوم می ۱۹۹۴، مامورین امدادی سازمان ملل متحد در رواندا (UNAMIR) برای یافتن گروهی از ما به هتل میل کالینز روانه شدند. ما حدوداً چهل نفر بودیم و آنها می خواستند ما را از کنسور خارج کنند. هنوز حتی لابی هتل را هم ترک نکرده بودیم که آر.تی.ال.ام اسامی ما را که حتی شامل دخترم و یک نوزاد هم بود اعلام کرد. آر.تی.ال.ام خطاب به گروه شبه نظامی اینترهاموه می گفت: نگذارید این سوسگ ها (invazi) - خطاب تحقیر آمیز نسبت به تونسسی ها) از کشور خارج شوند چرا که در آن صورت "به زودی با اسلحه بازی می گردند." در واقع همین گروه اینترهاموه در مسیر میدان هوایی راه را بر ما سد کرد و بر اثر حمله آنها تعدادی ما با مجروح شدند و در آخر، پس از ساعت ها مذاکره و گفتگو ماموران سازمان ملل ما را سالم به هتل باز گرداندند.

متن کتاب مقدس حقیقت محض بداندند. در سال ۱۹۹۲ اولین شبکه تلویزیونی این کشور که تا به امروز تنها شبکه ای است تاسیس شد که آن هم به حکومت تعلق داشت. آر.تی.ال.ام را در سال ۱۹۹۲ افرادی تاسیس کردند که اکثر از نزدیکان یا عوامل رییس جمهور جوانان هایباریمانا بودند. البته آن را به عنوان یک موسسه سرمایه گذاری تجاری معرفی کردند که برای عضویت در آن هر نفر ملزم به خرید سهمی به ارزش پنج هزار فرانک رواندا بود که در آن زمان برابر با حدود ۳۰ دلار آمریکا می شد. اما برنامه های آر.تی.ال.ام تجاری نبود؛ این برنامه ها سیاسی بود و با تمرکز بر روی شفاف های قومیتی پخش می شد. آر.تی.ال.ام مستقیماً از خط مشی کانگورا نشأت گرفته بود، روزنامه ای افراطی که توسط حسن نگیز منتشر می شد. او سابقاً "راننده ی اتوبوس بود. کانگورا را حامیان مالی پشتیبانی می کردند که در ارتش و دولت جایگاه خوبی داشتند. این روزنامه مخصوصاً بخاطر انتشار "ده فرمان" معروف هوتو مشهور شده بود. هیچکس در مبارزه با این رسانه های نفرت پراکن در رواندا توفیقی به دست نیاورد چرا که این رسانه ها بسیار قدرتمند و مورد حمایت صاحبان قدرت یعنی ارتش، حکومت و سرمایه داران بودند. حتی فاستین روگوسوزا، وزیر اطلاعات و خبررسانی در تلاش هایش برای تحریم یا تعطیلی این رسانه های نفرت پراکن شکست خورد. او جزو اولین کسانی بود که در صبحگاه هفتم اپریل ۱۹۹۴ به دست شبه نظامیان اینترهاموه (شبه نظامیان هوتو) ترور شد.

وضع جامعه ایفا کنند و البته هنگامی که به جای آن به جامعه آسیب می زند باید پاسخگو باشند. مصایب فیزیعی در کشور من رخ داد و اتفاقات ناگواری به وقوع پیوست و روزنامه نگاران در همه اینها نقش مهمی داشتند. پیش از برداختن به ماجرا و تجربه ی خودم، به نظر من لازم است کمی درباره وضع رسانه ها در رواندا توضیح دهم تا موضوع را بهتر متوجه شوید. وقتی صحبت از رسانه ها به میان می آید تصور غربی ها همان چیزی است که در دنیای مورد رواندا موضوع به این سادگی نیست. پیشینه رسانه های چاپی در رواندا به سال ۱۹۳۳ بازمی گردد که اولین روزنامه این کشور تاسیس شد. کلیسای کاتولیک که نهادهای بسیار مهم در روانداست هنوز هم این روزنامه را چاپ می کند. سپس چند دهه بعد یعنی در دهه ی ۶۰ میلادی، یک روزنامه ی دولتی نیز منتشر شد. هر دوی این روزنامه ها به زبان کینیارواندا منتشر می شدند. سایر تلاش ها برای تاسیس روزنامه تا سال ۱۹۹۱ مقطعی و ناپایدار بوده است. در سال ۱۹۹۱ که فضایی دموکراتیک بر کنسور حاکم شد روزنامه های بسیاری منتشر شد. تا پیش از تاسیس آر.تی.ال.ام در سال ۱۹۹۳ فقط یک ایستگاه رادیویی وجود داشت: رادیو ملی (دولتی) رواندا که از سال ۱۹۶۱ فعالیت خود را آغاز کرده بود. رادیو رواندا صدای حاکمیت بود و در رواندا حاکمیت مورد احترام بسیاری قرار دارد. در رواندا مردم با این تفکر پرورش می یابند که آنچه رادیو می گوید را مثل



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر و ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله ذکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دربارین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول و سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۷